



دانشگاه گوارزی و منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸

<http://jead.gau.ac.ir>

صفحات: ۱۰۰-۸۳

DOI: 10.22069/jead.2020.18250.1422

تأثیر فعالیتهای فوق برنامه بر اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی (مورد مطالعه: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران)

حسام الدین غلامی^{۱*}، امیر علم بیگی^۲ و مهتاب پورآنتشی^۳

استادیار موسسه آموزش و ترویج کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران

آستادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران

آستادیار گروه مطالعات تطبیقی در آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

چکیده

اشتغال‌پذیری دانشجویان یکی از موضوعات روز عرصه پژوهش و عمل در آموزش عالی است. یکی از راهکارهای تقویت اشتغال‌پذیری دانشجویان در آموزش عالی، مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه است. به همین دلیل هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فعالیتهای فوق برنامه بر اشتغال‌پذیری دانشجویان بود. در این راستا پیمایشی در میان نمونه‌ای متشکل از ۱۹۰ نفر از دانشجویان رشته‌های کشاورزی در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران اجرا شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد که روایی صوری آن از طریق پانل متخصصان؛ روایی سازه آن از طریق روایی همگرا و واگرا و پایایی از طریق پایایی ترکیبی بررسی و تأیید شد. نتایج نشان داد مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه تأثیر مثبتی بر میزان اشتغال‌پذیری دارد و ۴۶ درصد از واریانس اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های را تبیین می‌کند. بر اساس نتایج و با توجه به فقدان سازوکارهای مدون برای پرداختن به اشتغال‌پذیری در برنامه درسی دانشگاه، تقویت اشتغال‌پذیری از طریق فعالیتهای فوق برنامه می‌تواند قابل طرح و پیگیری باشد.

واژه‌های کلیدی: فوق برنامه، مشارکت اجتماعی، اشتغال‌پذیری، کشاورزی، آموزش عالی، آمادگی شغلی.

مقدمه

به عنوان ارتقا دهنده سرمایه انسانی و پرورش دهنده دانش‌آموختگان اشتغال‌پذیر، که برای اثربخشی اقتصادی و رقابت‌پذیری در اقتصاد دانش بنیان ضروری است؛ می‌نگرند (Milner et al., 2016). بدین ترتیب، دولت‌ها و سیاستگذاران نرخ اشتغال را با سطح مهارت و شایستگی دانش‌آموختگان آموزش عالی

اقتصاد دانش موجب شده است که دایره ذی‌نفعان و مشتریان آموزش عالی بیش از پیش توسعه و تنوع پیدا کند (فراستخواه، ۱۳۸۹). دولت‌ها، به آموزش عالی

* نویسنده مسئول: gholami.ir@gmail.com

رقابت پذیری، چالش پذیری، عدم قطعیت و غیرقابل پیش بینی بودن شناخته می شود.

دانشگاه مسئول تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر به عنوان مهمترین سرمایه جامعه است (صالحی عمران، ۱۳۸۵؛ به نقل از سامیان و همکاران، ۱۳۹۶). این در حالی است که مؤسسات آموزش عالی زیر انتقادات شدید از جانب کارفرمایان هستند، مبنی بر این که به اندازه کافی برای آماده کردن دانش آموختگان برای دنیای کار تلاش نمی کنند (Chan and Fong, 2018). به عبارت دیگر، کارفرمایان بر این عقیده هستند که دانش آموختگان فاقد مهارت و قابلیت های ضروری اشتغال پذیری هستند (Akinrinmade and Ayeni, 2017; Tran, 2017). با توجه به این که توانایی و کیفیت دانش آموختگان از طریق کلیه تجارب دوران تحصیل در دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی توسعه و ارتقا می یابد (Kuzgun, 2012)؛ نقش قابل توجه دانشگاه و مؤسسات آموزش در پرورش دانش آموختگان دارای قابلیت های اشتغال پذیری بیش از پیش نمایان می شود و لذا، می توان گفت یکی از اهداف بنیادین برنامه های دانشگاهی، پرورش دانشجویان دارای دانش و مهارت لازم و کافی برای ورود به عرصه اشتغال است. برای دستیابی موفقیت آمیز به این هدف، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی از دو رویکرد اصلی بهره می برند: اول، گنجاندن مهارت های اشتغال پذیری در برنامه درسی است و شامل مواردی همچون سخنرانی، فعالیت های گروهی، جلسات پرسش و پاسخ، و برگزاری سمینار با تاکید بر حل مسأله است. رویکرد دیگر، فراهم کردن فعالیت هایی خارج از کلاس های درس معمول و مبتنی بر تدریس و یادگیری است؛ و به عبارت دیگر، فراهم کردن فعالیت های فوق برنامه می باشد (Ramesh et al., 2014). بهره گیری از فعالیت های فوق برنامه به عنوان

ارتباط می دهند (ویلیامسون، ۲۰۱۵؛ به نقل از علم بیگی و همکاران، ۱۳۹۵). این امر سبب گردیده تا در ادبیات حوزه اشتغال، تاکید بسیاری بر آماده سازی و اشتغال پذیری دانش آموختگان و توسعه شغلی آنان در بازار کار شود (Pitan, 2016; Schlesinger and Daley, 2016). براین اساس، اشتغال پذیری مهم تر از یافتن شغل بلافاصله پس از دانش آموختگی است. به عبارت دیگر، اشتغال پذیری اولین گام گذر به زندگی واقعی است و نشان دهنده توانایی افراد برای مشارکت اثربخش در جامعه می باشد (Kuzgun, 2012).

امروزه بیکاری دانش آموختگان، مسأله ای جهانی است (Pillai et al., 2012). در ایران نیز رشد آموزش عالی و حرکت به سوی آموزش عالی توده ای (Abbasi and Zamani-Miandashti, 2013) و کوچک سازی دولت به عنوان مرکز سنتی جذب دانش آموختگان (Hosseini et al., 2008)؛ باعث افزایش بیکاری دانش آموختگان شده است. مسأله بیکاری کم و بیش در بسیاری رشته های دانشگاهی مشاهده می شود. با این حال، وضعیت بیکاری در بین دانش آموختگان کشاورزی نسبت به دیگر رشته ها بیشتر است. برخی صاحب نظران محققان علت بیکاری دانش آموختگان کشاورزی را نبود شایستگی ها و مهارت های مورد نیاز بازار کار ذکر می کنند (موحدی، ۱۳۸۳؛ به نقل از موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). ماهیت پیچیده بخش کشاورزی و گستردگی بسیار در فعالیت های کشاورزی، همچون بین رشته ای بودن و زمینه خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن ایجاب می کند که دانش آموختگان آن، دارای قابلیت های پویا و منتقدانه فکری و عملی در رویارویی با مسائل باشند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، دانشجویان کشاورزی باید برای آنچه بارنت (۲۰۰۰) ابرپچیدگی نامیده است؛ آماده شوند. ابرپچیدگی با چهار ویژگی

بررسی عوامل موثر بر اشتغال‌پذیری دانشجویان از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجا که فعالیت‌های فوق برنامه، از جمله فعالیت‌ها و برنامه‌های مؤسسات آموزشی محسوب می‌شوند و چنین فعالیت‌هایی سبب می‌شود دانشجویان با مسایل دنیای واقعی درگیر شوند (Nghia, 2017)؛ هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر اشتغال‌پذیری دانشجویان است.

مبانی نظری و پیشینه

یکی از مفهوم‌هایی که در زمینه اشتغال بیان می‌شود، اشتغال‌پذیری است. مفهوم اشتغال‌پذیری مفهوم جدیدی نیست و پیشینه تاریخی آن به حدود یک‌صد سال قبل بر می‌گردد (McQuaid and Lindsay, 2005). اشتغال‌پذیری مفهومی پیچیده است، چرا که از دیدگاه‌های مختلف شامل کارفرمایان، دانشجویان، مؤسسات آموزش عالی قابل تعریف و بررسی است (Tymon, 2013). بر این اساس، تعریف‌های مختلفی از اشتغال‌پذیری ارائه شده است؛ از جمله، Asonitou (۲۰۱۵) اشتغال‌پذیری را به معنای دانش، مهارت و نگرش‌هایی تعریف کرده که در آغاز کار به فرد کمک می‌کند تا نقش موثری در بازارکار ایفا کند. Ogwo (۲۰۱۰) اشتغال‌پذیری را به عنوان صلاحیت کسب شغل با ارزش، ابقا در شغل، و در صورت نیاز، یافتن شغل جدید تعریف کردند. Holmes (۲۰۱۳) اشتغال‌پذیری را هویت افراد می‌داند که با تجربه‌های واقعی فرد از بازارکار شکل می‌گیرد. از نظر Hawkins (۱۹۹۲)؛ به نقل از انتظاری، (۱۳۹۵)، اشتغال‌پذیری به معنی دستیابی فرد به مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز برای دستیابی به یک شغل و وارد شدن به یک حرفه است. در بستر آموزش عالی، اشتغال‌پذیری با دو رویکرد عمده قابل تعریف است: یکی، اشتغال‌پذیری به معنی احراز شغل و دیگری،

راهبردی برای ایجاد تمایز در بازار کار و نشان دادن صلاحیت‌هایی که نشان دادن آنها در رزومه ایشان به نحو دیگری ممکن نیست از سوی دانشجویان نیز پیگیری می‌شود (Roulin and Bangerter, 2013) با توجه به این که برنامه درسی حجم مشخصی دارد؛ پرداختن به مهارت‌های شغلی از این طریق تا حدی به معنای کاستن از موضوعات تخصصی است. پرداختن به مهارت‌های شغلی از طریق فعالیت‌های فوق برنامه نیاز به تغییرات بنیادین کمتری دارد و مسائل و چالش‌های مرتبط با آموزش و برنامه درسی آن کمتر است (Tran, 2017). برخی تحقیقات نیز نشانگر اهمیت فعالیت‌های فوق برنامه در اشتغال‌پذیری دانشجویان است. در این زمینه Pinto and Ramalheira (۲۰۱۷) نشان دادند ترکیبی از موفقیت تحصیلی (معدل تحصیلی) و شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه می‌تواند ویژگی با ارزشی برای ورود آسان دانش‌آموختگان رشته بازرگانی به بازار کار باشد. فعالیت‌های فوق برنامه وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که در نظر داشته باشیم برخی از مدرسان دانشگاهی نسبت گنجانیدن مباحثی مانند اشتغال‌پذیری در برنامه درسی بدبین هستند و آماده‌سازی دانشجویان برای بازار کار از نظر برخی از استادان به معنای کم‌ارزش کردن آموزش عالی است (Jackson, 2014a; Chan and Fong, 2018). علاوه بر این، در کشور ما مسأله فقدان سازوکارهای مناسب رسمی و مشخص در دانشگاه‌ها برای پرداختن به آمادگی دانشجویان برای بازار کار (آقاپور و همکاران، ۱۳۹۳) باعث می‌شود که راهبردهای جایگزین مانند فعالیت‌های فوق برنامه اهمیتی دوچندان پیدا کنند.

با توجه به انتظاری که از آموزش عالی در پرورش نیروی انسانی متخصص و ماهر وجود دارد و نظر به اهمیت اشتغال‌پذیری دانشجویان به طور اعم و اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی به طور اخص،

(۲۰۰۴) فهرستی از مهارت‌های عمومی را به صورت زیر ارائه داده است: خلاقیت؛ انعطاف‌پذیری؛ تمایل به یادگیری؛ استقلال و توانایی کار مستقل؛ کار تیمی و گروهی؛ توانایی مدیریت دیگران؛ توانایی کار در شرایط فشار؛ ارتباطات شفاهی خوب؛ ارتباطات نوشتاری؛ محاسبات؛ دقت نظر؛ مدیریت زمان؛ مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری؛ توانایی برنامه‌ریزی، هماهنگی و سازماندهی؛ توانایی بهره‌گیری از فناوری‌های نو. از جمله مهارت‌های عمومی که در مطالعات مختلف بررسی و بیان شده است؛ عبارتند از: خلاقیت و نوآوری (Galloway, 2005; Man et al., 2002; IUA, 2014; Galloway, 2014; Pouratashi and Zamani, 2019; IUA, 2014; Man et al., 2014; Barret, 2002; IUA, 2014; Barret, 2002; IUA, 2014; Barret, 2002; Man et al., 2002; Barret, 2002). (ج) هوش هیجانی به معنای ظرفیت شناخت احساسات خود و دیگران، برای ایجاد انگیزش در خود و مدیریت احساسات شخصی در رابطه با دیگران است. تقویت این بعد به افزایش فرصت‌های شغلی مبتنی بر سروکار داشتن با مردم می‌انجامد (Dacre Pool and Sewell, 2007). ارتقای هوش هیجانی نتیجه مطلوب برای دانشجویان، کارفرمایان و کارکنان است (Jaeger, 2003). (د) تجربه کار و زندگی، بسیاری پژوهش‌ها به تجربه کاری به عنوان موضوع مهمی اشاره دارند و بیان می‌دارند که کارفرمایان برای تجارب کاری ارزش زیادی قایل هستند و دانش‌آموختگانی که تجربه کاری داشته باشند؛ امید بیشتری برای استخدام دارند. مطابق با Pedagogy for Employability Group (۲۰۰۴)، احتمال اشتغال و موفقیت شغلی دانش‌آموختگانی که دارای تجربه کاری هستند نسبت به دانش‌آموختگان بدون تجربه کاری بسیار بیشتر است. (ه) یادگیری توسعه شغلی به دانشجویان در خودآگاهی بیشتر، شناخت عمیق‌تر علایق شغلی، و شناسایی فرصت‌های

اشتغال‌پذیری به عنوان توسعه ویژگی‌هایی برای استخدام دانش‌آموختگان (غلامی و کریمی، ۱۳۹۷). بطورکلی، اشتغال‌پذیری به دامنه وسیعی از صلاحیت‌ها و مشخصه‌هایی که متقاضیان شغل را به کسب و حفظ شغل توانا می‌سازد؛ اشاره دارد (UNESCO, 2012:8). علیرغم وجود تعاریف متعدد در زمینه اشتغال‌پذیری، چندبعدی بودن این مفهوم اغلب پذیرفته شده است (Pinto and Ramalheira, 2017). به همین دلیل صاحب‌نظران، مدل‌هایی را برای مفهوم اشتغال‌پذیری ارائه داده اند که از آن جمله مدل کریرادج^۱ ارائه شده توسط Dacre Pool and Sewell (۲۰۰۷) می‌باشد. به نظر می‌رسد در بین انواع مدل‌های ارائه شده این مدل از همه جامع‌تر باشد (Small et al., 2018). این مدل به‌گونه‌ای طراحی شده است که ضمن عملیاتی بودن، هم برای محققان و هم دانشجویان قابل فهم است (Dacre Pool and Sewell, 2017; Small et al., 2018). به همین دلیل این مدل مبنای اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری در این پژوهش قرار گرفت. این مدل شامل پنج بعد است که عبارتند از: دانش و مهارت تخصصی؛ مهارت‌های عمومی؛ هوش هیجانی؛ تجربه کار و زندگی و یادگیری توسعه شغلی (Dacre Pool and Sewell, 2007). ابعاد مدل در ادامه تشریح شده است: (الف) دانش و مهارت تخصصی، این بعد از ابعاد کلیدی مدل است؛ چرا که از انگیزه‌های مهم ورود به آموزش عالی تحصیل و مطالعه عمیق در رشته‌ای خاص، کسب مدرک تحصیلی، کسب صلاحیت‌های بالاتر و در نهایت، اشتغال در شغل بهتر و مورد علاقه است (Dacre Pool and Sewell, 2007). (ب) مهارت‌های عمومی، عبارت از مهارت‌هایی است که پتانسیل انتقال به دامنه‌ای از حوزه‌های مختلف، همچون آموزش عالی و یا محیط کار، را داراست (Bennett et al., 1999). Pedagogy for Employability Group.

است با رشته تحصیلی مرتبط یا غیر مرتبط باشد. و هدف آن، توسعه مهارت‌های عقلانی یا اجتماعی است که برای موفقیت در بازار کار لازم است. علاوه بر سازمان‌های سیاسی، فعالیت‌های ورزشی، هنری، رویدادهای داوطلبانه و انجمن‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی از جمله مرتبط‌ترین فعالیت‌های فوق برنامه هستند (Pinto and Ramalheira, 2017).

پژوهش کلارک و همکاران نشان داد اغلب انواع فعالیت‌های فوق برنامه می‌تواند منجر به توسعه بیشتر مهارت‌های اشتغال‌پذیری شود. همه فعالیت‌های فوق برنامه به صورت یکسان بر همه مهارت‌ها مؤثر نیستند. همچنین این که دانشجویان چه کاری در یک فعالیت فوق برنامه به خصوص انجام می‌دهند و چگونگی ارائه آن به استخدام کنندگان مهم‌تر از این است که در چه فعالیت فوق برنامه‌ای شرکت کنند (Clark et al., 2015). آکینرمداد و آینی (۲۰۱۷) در پژوهشی بیان داشتند، از دیدگاه کارفرمایان مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه به عنوان عامل مهمی در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان مطرح می‌شود. نگیا (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی دریافت، فعالیت‌های فوق برنامه سبب می‌شود دانشجویان با مسایل دنیای واقعی درگیر شوند. رامش و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود به این موضوع پرداختند که چگونه مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان از طریق فراهم کردن برنامه‌های فوق برنامه مناسب را می‌توان ارتقا داد. محققان دریافتند که اینگونه فعالیت‌ها تاثیر قابل توجهی بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دارد و بازخورد مثبتی از سوی دانشجویان برای فعالیت‌های فوق برنامه دریافت شده است. لاوو و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود دریافتند، دانش‌آموختگانی که از فعالیت‌های فوق برنامه بهره‌مند شده بودند خود را در مهارت‌های ارتباطات عمومی، رهبری و خلاقیت در سطح بالایی ارزیابی می‌کردند. تجییزو (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای بیان داشتند، دانش‌آموختگان، فعالیت‌های فوق برنامه را ابزاری مفید

بازارکار کمک می‌کند و باعث می‌شود تصمیمات اندیشمندانه‌ای درباره شغل آینده خود بگیرند. برای آن که دانش‌آموختگان فرصت و شانس بهتری برای حفظ و ارتقای شغلی داشته باشند، ضروری است تا آموزش‌هایی در حوزه یادگیری شغلی فراگیرند (Dacre, Pool and Sewell, 2007) بسیاری از مطالعاتی که در حوزه اشتغال‌پذیری صورت گرفته است، به نقش مؤسسات آموزش عالی و برنامه‌های آموزشی رسمی و غیر رسمی در توسعه قابلیت‌های اشتغال‌پذیری اشاره شده است. آقاپور و همکاران (۱۳۹۳) بیان داشتند، دانشگاه‌ها در سرفصل‌های تحصیلی برنامه‌ای برای آینده شغلی دانشجویان در نظر نگرفته‌اند. مطالعات همچنین نشان داده است که از جمله فعالیت‌های برای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان عبارتست از: فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای دانشجویان و اجرای هدفمند و مناسب طرح کارآموزی (پرهیزکار و پورآتشی، ۱۳۹۵؛ پورآتشی، ۱۳۹۷) و فراهم کردن فعالیت‌های فوق برنامه (Scarinci and Pearce, 2012; Nghia, 2017). همانطور که مشاهده می‌شود از جمله عواملی که در ارتباط با اشتغال‌پذیری مطرح شده است، فعالیت‌های فوق برنامه است. فعالیت‌های فوق برنامه فعالیت‌هایی است که خارج از چارچوب رسمی آموزش انجام می‌شود و مشارکت در آن فعالیتها به گونه‌ای اختیاری و داوطلبانه است (نادری، ۱۳۹۲). دامنه‌ای که برای فعالیت‌های فوق برنامه در نظر گرفته می‌شود، از محیط مراکز آموزشی با فضای بیرون از آنها را شامل می‌شود (باقری و حمزه ئی، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، مفهوم فوق برنامه با مفاهیم دیگر مانند فعالیت‌های خارج از مدرسه، آموزش در فضای باز، برنامه مکمل درسی، اجتماعی کردن و یکپارچه‌سازی در ارتباط بوده و در برخی موارد با آنها همسویی دارد (امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲). فعالیت‌های فوق برنامه در برگیرنده فعالیت‌های و رویدادهای اجتماعی و ساختارمندی که دانشجویان می‌توانند به آن بپیوندند است، که ممکن

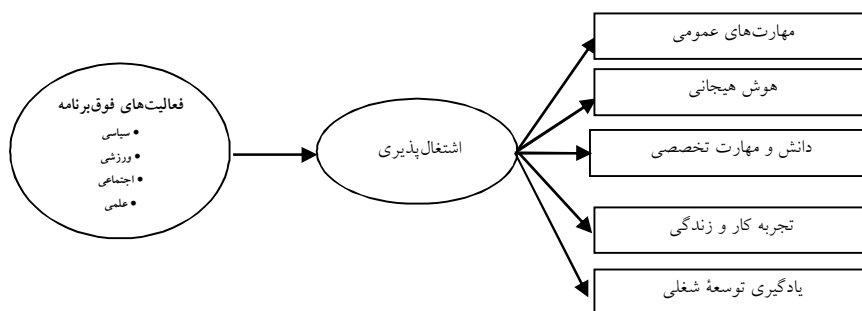
متقاضیان دارای عملکرد تحصیلی بالا همراه با شرکت در فعالیتهای فوق برنامه بود (Pinto and He, 2018).

باقری و حمزهئی (۱۳۹۶) در پژوهش خود تاثیر فعالیتهای فوق برنامه دانشجویان بر گرایش به تفکر انتقادی و حل مسأله را مطالعه کرد. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین گرایش به تفکر انتقادی و مهارتهای حل مسأله دانشجویانی که دارای فعالیتهای فوق برنامه هستند و دانشجویانی که فاقد این فعالیتهای هستند اختلاف معنی داری وجود دارد و فعالیتهای فوق برنامه منجر به افزایش دو متغیر ذکر شده می‌شود.

جمع‌بندی از مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهشی صورت گرفته، اهمیت اشتغال‌پذیری را بیش از پیش نمایان می‌سازد و می‌توان چنین گفت که امروزه، تنها داشتن مدرک تحصیلی آموزش عالی برای کسب شغل و ارتقای شغلی کافی نیست و لازم است به پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌های اشتغال‌پذیری بیش از پیش توجه نمود که در این مسیر، توجه به فعالیتهای فوق برنامه شایان اهمیت است. با توجه به اینکه پیشینه پژوهشی، شواهدی مبنی بر مطالعه تاثیر فعالیتهای فوق برنامه بر اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی را نشان داد؛ این مطالعه به این موضوع پرداخته است. چارچوب مفهومی پژوهش در شکل (۱) ارائه شده است.

برای توسعه مهارت‌های اشتغال‌پذیری می‌دانند. مارش (۱۹۹۲) در پژوهشی بیان داشت، فعالیتهای فوق برنامه در افزایش مسئولیت‌پذیری و سازگاری اجتماعی فراگیران تاثیرگذار است.

در پژوهشی در پرتغال از ۳۴۹ تن از کارکنان شاغل خواستند هشت رزومه فرضی که از نظر عملکرد تحصیلی (معدل)، فعالیت در فعالیتهای فوق برنامه و جنسیت متفاوت بودند از نظر اشتغال‌پذیری بررسی کنند. نتایج نشان داد عملکرد تحصیلی بالا همراه با شرکت در فعالیتهای فوق برنامه منجر به کسب ارزیابی بالا از نظر اشتغال‌پذیری شد. در حالی که شرکت در فعالیتهای فوق برنامه همراه با عملکرد تحصیلی نه چندان خوب، ارزیابی پایینی از نظر مناسب بودن برای شغل دریافت کردند اما نمرات بالایی از نظر سازماندهی شخصی و مدیریت زمان و مهارت‌های یادگیری دریافت کردند. نتایج نشان دهنده اهمیت عملکرد تحصیلی همراه با فعالیتهای فوق برنامه برای رسیدن به رویکردی متمایز برای ورود آسان به بازار کار بود (Pinto and Ramalheira, 2017). در پژوهشی مشابهی در چین از کارکنان شاغل خواستند رزومه‌های فرضی را ارزیابی کنند، نتایج نشان داد، فعالیتهای فوق برنامه به تنهایی یا همراه با عملکرد تحصیلی (معدل) نمره‌های بالاتری از نظر مهارت‌های اشتغال‌پذیری و مناسبیت برای شغل دریافت کردند. همچنین نتایج نشان دهنده تمایل ارزیابان نسبت به



شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

برای برآورد مدل پیشنهادی تحقیق، از نرم‌افزار SmartPLS، و روش PLS-SEM استفاده شد. روش ذکر شده به رویکرد علی-پیش بینی کننده SEM اشاره دارد، که به محققان اجازه می‌دهد قدرت پیش بینی مدل را ارزیابی کنند. به حداکثر رساندن پیش بینی سازه‌های وابسته، هدف اصلی PLS-SEM است (Sarstedt et al., 2017). R^2 که مقدار واریانس توضیح داده شده در یک سازه درون‌زا را اندازه‌گیری می‌کند، در این تحقیق به عنوان معیار بررسی حداکثر رساندن توضیحات واریانس در نظر گرفته شده است (Shmueli and Koppius, 2011). روش حداقل مربعات جزئی از فرآیندی دو مرحله‌ای برای برآورد و تعیین ضرایب استفاده می‌کند. علاوه بر این، با استفاده از روش اطلاعات محدود در حداقل مربعات جزئی، هیچ فرضیه‌ای برای جامعه و یا مقیاس اندازه‌گیری وجود ندارد. بدون این که فرض‌هایی مانند فرض‌های توزیع و یا مقیاس‌های اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای برای متغیرها، وجود داشته باشند، نتایج کار قابل استفاده می‌باشد.

به‌عنوان روشی استاندارد برای تحلیل حداقل مربعات جزئی روایی و پایایی مقیاس مورد بررسی قرار گرفت. کفایت مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. نخست با برآورد معیارهای روایی همگرا، روایی تشخیصی و پایایی بررسی شد. موارد موجود در هر متغیر باید انسجام داخلی بالایی را نشان دهند. در این راستا، به عنوان یک روال معمول، سازه‌های تحقیق باید ضریب پایایی ترکیبی را بالاتر از آستانه $0/7$ توصیه شده به دست آورند. در مورد روایی همگرا، معیارهای تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) در نظر گرفته شد. روایی تشخیصی با دو معیار ارزیابی شد. اول، ریشه مربع AVE برای هر سازه از ضرایب همبستگی با سازه‌های باقی مانده بیشتر بود که بیانگر برقراری

این پژوهش به لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است که به روش علی-ارتباطی انجام گرفته است و از انواع تحلیل‌های ماتریس کوواریانس-واریانس محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان سال سوم و آخر کارشناسی رشته‌های کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران است که بر اساس آمار اداره آموزش و تحصیلات تکمیلی این پردیس ۷۱۵ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران، ۱۹۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب (متناسب با رشته تحصیلی) برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای متشکل از سه بخش شامل ویژگی‌های فردی، مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری و فعالیت‌های فوق برنامه بود. متغیر مستقل پژوهش یعنی فعالیت‌های فوق برنامه با ۶ گویه سنجیده شد. متغیر وابسته پژوهش، اشتغال‌پذیری دانشجویان بود که برای سنجش آن از مدل مفهومی (Dacre Pool and Sewell, 2007) استفاده شد. متغیرهای فعالیت‌های فوق برنامه و اشتغال‌پذیری به کمک طیف لیکرت (از کاملاً مخالفم: ۱ تا کاملاً موافقم: ۵) سنجیده و به صورت خوداظهاری شدند. اجزای اصلی اشتغال‌پذیری دانشجویان در این مدل چنان که توضیح داده شد؛ شامل دانش و مهارت و درک مربوط به رشته تحصیلی، مهارت‌های عمومی، تجربه (کار و زندگی)، یادگیری توسعه شغلی و هوش هیجانی است که برای اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری مورد استفاده قرار گرفت. همچنین بر اساس این مدل، پروفایلی توسط (Sewell and Dacre Pool, 2015)، در دانشگاه لانکشاير مرکزی^۲ برای اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری دانشجویان طراحی شده است. گویه‌های این پروفایل ترجمه و برای اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری به‌کار گرفته شد.

2- University of Central Lancashire

سال چهارم و ۱/۱ درصد از آنان دانشجوی سال پنجم بودند. میانگین نمره کل اشتغال‌پذیری برای دانشجویان مورد مطالعه ۳/۴۵ از ۵ با انحراف معیار ۰/۵۰۸ بود. وضعیت دانشجویان از نظر فعالیت‌های فوق برنامه به تفکیک جنسیت در جدول ۱ خلاصه شده است.

چنان که در جدول ۱ مشاهده می‌شود. بیشترین فعالیت فوق برنامه دانشجویان مرتبط با مشارکت عمومی در اجرای برنامه‌های مختلف دانشگاه و کمترین فعالیت فوق برنامه مرتبط با فعالیت در انجمن اسلامی بوده است. همچنین میانگین فعالیت‌های فوق برنامه ۲/۳۹ با انحراف معیار ۰/۸۰۶ بود که زیر حد متوسط تفسیر می‌شود.

شرایط معیار فورنل-لارکر و تأیید روایی تشخیصی است. دوم، اعتبار تشخیصی با استفاده از همبستگی‌های رابطه معیار تک خصیصه‌ای - چند خصیصه‌ای (HTMT)، ارزیابی شد. HTMT کمتر از ۰/۹ است و نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری روایی تشخیصی را به دست آورده است (Henseler et al. 2015).

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فردی: میانگین سن دانشجویان مورد مطالعه ۲۱/۹ بود. ۴۶/۵ درصد پاسخگویان پسر و ۵۳/۵ درصد از آنان دختر بودند. ۴۷/۶ درصد از پاسخگویان دانشجوی سال سوم، ۵۱/۴ درصد از آنان دانشجوی

جدول ۱- میزان فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان مورد مطالعه

متغیر	جنسیت	میانگین رتبه‌ای*	انحراف معیار
پذیرفتن مسئولیت و/ یا همکاری در اجرای برنامه‌های مختلف در دانشگاه	مرد	۳	۱/۲۳۷
	زن	۲/۹۲	۱/۲۵۹
	کل	۲/۹۴	۱/۲۶۴
فعالیت در سازمان‌های مردم نهاد (NGOs) مانند مؤسسات خیریه، سازمان‌ها یا مؤسسات مذهبی	مرد	۲/۹۲	۱/۴۱۶
	زن	۲/۳۰	۱/۲۵۱
	کل	۲/۵۸	۱/۳۵۷
فعالیت در تیم‌های ورزشی	مرد	۲/۶۶	۱/۴۵۲
	زن	۲/۳۱	۱/۲۶۷
	کل	۲/۴۹	۱/۳۶۲
فعالیت در انجمن‌های علمی دانشگاه	مرد	۲/۶۱	۱/۴۵۸
	زن	۲/۳۲	۱/۱۸۸
	کل	۲/۴۶	۱/۳۳۲
فعالیت در بسیج	مرد	۱/۲۶	۱/۵۲۱
	زن	۱/۶۴	۰/۹۸۴
	کل	۱/۹۴	۱/۲۹۴
فعالیت در انجمن اسلامی	مرد	۲/۰۸	۱/۳۲۳
	زن	۱/۶۹	۰/۹۵۰
	کل	۱/۸۸	۱/۱۶۹
کل فعالیت‌های فوق برنامه	مرد	۲/۵۹	۰/۸۴۴
	زن	۲/۲۰	۰/۷۱۸
	کل	۲/۳۹	۰/۸۰۶

* میانگین‌ها از ۵

نظر است به این معنا که نشانگرهای هر سازه در نهایت تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند. به عبارت ساده‌تر هر نشانگر فقط سازه خود را اندازه‌گیری کند و ترکیب آن‌ها به گونه‌ای باشد که تمام سازه‌های به خوبی از یکدیگر تفکیک شوند. این فرآیند از دو طریق قابل بررسی است که هر دو روش در این تحقیق استفاده شد. در راستای روش اول ابتدا با کمک شاخص میانگین واریانس استخراج شده مشخص شد که تمام متغیرهای مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، بالاتر از ۰/۵ است که مقدار مناسبی است.

بررسی اثر فعالیت‌های فوق برنامه بر میزان اشتغال‌پذیری: بر اساس نتایج جدول (۲) مشخص می‌شود که نشانگرهای هر سازه به دلیل معنی‌داری در سطح یک درصد از اهمیت لازم برای اندازه‌گیری برخوردار هستند و لذا روایی سازه که برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌ها، انجام شد، نشان می‌دهد که نشانگرها، ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه‌گیری ابعاد مورد مطالعه در مدل تحقیق فراهم می‌آورند.

علاوه بر روایی سازه که برای بررسی اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌ها به کار می‌رود، روایی تشخیصی نیز در تحقیق حاضر مورد

جدول ۲- مقادیر بار عاملی برای نشانگرهای هر سازه در قالب مدل اندازه‌گیری

سازه	محتوا	علامت در مدل	بار عاملی	مقدار t
فعالیت‌های فوق برنامه	داشتن فعالیت در انجمن‌های علمی دانشگاه	se8	۰/۸۱۹	۲۵/۰۱۳
	داشتن فعالیت در بسیج	Se11	۰/۶۲۱	۷/۴۰۷
	داشتن فعالیت در سازمان‌های مردم نهاد (NGO) مانند مؤسسات خیریه، سازمان‌ها یا مؤسسات مذهبی	Se17	۰/۶۲۱	۸/۵۱۹
هوش هیجانی	داشتن مسئولیت و یا همکاری در اجرای برنامه‌های مختلف در دانشگاه	Se20	۰/۷۱۵	۱۲/۷۴۵
	می‌توانم احساسات دیگران را به خوبی درک کنم.	hh 1	۰/۸۱۳	۲۰/۱۶۵
	می‌توانم احساسات خود را در یک موقعیت خاص بشناسم.	hh 2	۰/۷۶۹	۱۸/۴۹۴
تجربه	توانایی مدیریت موثر احساسات خود را دارم.	hh 3	۰/۷۷۷	۱۸/۰۳۵
	تا کنون به حد کافی تجارب کاری در زمینه‌های کشاورزی کسب کرده‌ام.	ta 7	۰/۷۵۴	۲۵/۰۱۳
	تا کنون به حد کافی تجارب کاری در زمینه‌های غیر کشاورزی کسب کرده‌ام.	ta 8	۰/۷۶۶	۱۷/۱۱۰
دانش و مهارت تخصصی	می‌توانم ارزش تجارب خود را برای کارفرماها توضیح دهم.	ta 9	۰/۸۹۰	۱۷/۰۰۰
	من از عملکرد علمی خود در دانشگاه راضی هستم.	da 10	۰/۷۸۷	۲۱/۷۷۵
	عملکرد علمی من در راستای آرزوهای شغلی من است.	da 11	۰/۸۲۱	۲۵/۸۸۰
مهارت‌های عمومی	من دانش خوبی در زمینه کشاورزی عمومی (علاوه بر گرایش تخصصی خودم) دارم.	da 12	۰/۸۱۰	۲۸/۵۷۰
	من در ارائه مطلب مهارت دارم (مثلاً ارائه کلاسی).	mo 14	۰/۶۵۶	۱۲/۵۸۲
	من درباره مهارت‌های ارتباط نوشتاری خود اطمینان کامل دارم. (مثل انواع نامه و درخواست).	mo 15	۰/۶۵۲	۱۲/۵۸۱
مهارت‌های عمومی	من در یک گروه به خوبی می‌توانم با دیگران کار کنم (تمایل به کار گروهی / تیمی).	mo 16	۰/۶۶۷	۱۰/۳۱۳
	من توانایی حل مسأله را دارم.	mo 18	۰/۶۹۲	۱۳/۰۹۵
	مهارت‌های برنامه‌ریزی و سازماندهی را در حد خوبی دارم.	mo 19	۰/۶۶۰	۱۲/۲۸۳

۱۱/۴۰۹	۰/۶۵۲	mo 22	آمادگی پذیرش مسئولیت تصمیم‌های خود را دارم.
۱۳/۶۳۹	۰/۶۶۰	mo 26	من از توانایی کافی در خلق ایده‌های جدید برخوردارم.
۶۶/۶۲۹	۰/۶۷۰	ya 1	من می‌دانم چه شغلی با شخصیت من تناسب بیشتری دارد.
۱۴/۲۰۵	۰/۶۵۱	ya 3	من می‌دانم چگونه درباره شغل‌های مورد علاقه‌ام، آگاهی و اطلاعات کسب کنم.
۱۳/۲۹۲	۰/۶۶۷	ya 4	من برای آینده شغلی خود پس از اتمام تحصیلاتم برنامه‌ریزی کرده‌ام.
۱۲/۸۲۷	۰/۶۹۴	ya 5	من می‌دانم چه چیزهای برای ایجاد امنیت شغلی در کار مورد نظر من، لازم است.
۱۲/۵۷۵	۰/۷۰۷	ya 6	من می‌دانم برای آینده شغلی خود چه مهارت‌های فنی و عملی را باید کسب نمایم.

جهت بررسی پایایی سازه از شاخص پایایی ترکیبی استفاده شد. در روش‌شناسی مدل معادلات ساختاری از ضرایب پایایی ترکیبی و Rho استفاده می‌شود که مقادیر بالاتر از ۰/۶ برای هر سازه نشان از پایایی مناسب آن دارد (Nunnally and Bernstein., 1994). (جدول ۳).

جدول ۳- مقدار پایایی ترکیبی

سازه	پایایی ترکیبی (CR)	شاخص Rho < ۰/۶
تجربه	۰/۸۴۶	۰/۷۹۵
دانش و مهارت تخصصی	۰/۸۴۸	۰/۷۳۴
فعالیت‌های فوق برنامه	۰/۷۹۰	۰/۶۶۹
مهارت‌های عمومی	۰/۸۴۶	۰/۷۸۸
هوش هیجانی	۰/۸۲۹	۰/۶۹۳
یادگیری و توسعه شغلی	۰/۸۱۰	۰/۷۰۷

عامل‌ها با آن عامل بالاتر است. در این معیار که به روش فورنل و لارکر^۳ معروف است میزان رابطه یک سازه با نشانگرهایش، در مقایسه رابطه آن سازه با سازه‌های دیگر مدل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

این معیار برای روایی تشخیصی یا همان روایی واگرا زمانی در سطح قابل قبولی قرار می‌گیرد که میزان AVE هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (مربع مقدار ضریب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. برای بررسی عملیاتی آن به مانند جدول (۴) مقادیر تمام همبستگی‌های بین سازه‌ها با مقدار ریشه دوم AVE هر سازه مقایسه می‌شود. در صورتی که این مقدار بالاتر از تمام همبستگی‌ها باشد

روش دوم برای بررسی روایی تشخیصی استفاده از ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده است. برای این منظور باید ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده از سایر همبستگی‌های عامل‌های دیگر با این سازه بیشتر باشد (نوییت و هانکوک، ۲۰۰۱). این موضوع در جدول (۶) نشان داده شده است. نتایج بررسی روایی تشخیصی نشان می‌دهد که نشانگرهای انتخابی جهت اندازه‌گیری سازه‌های موجود از روایی تشخیصی لازم برخوردار هستند، زیرا که اولاً تمام سازه‌های دارای مقدار واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۴ بودند و ثانیاً ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه که در قطر ماتریس جدول (۶) نشان داده شده است از تمام همبستگی‌های سایر

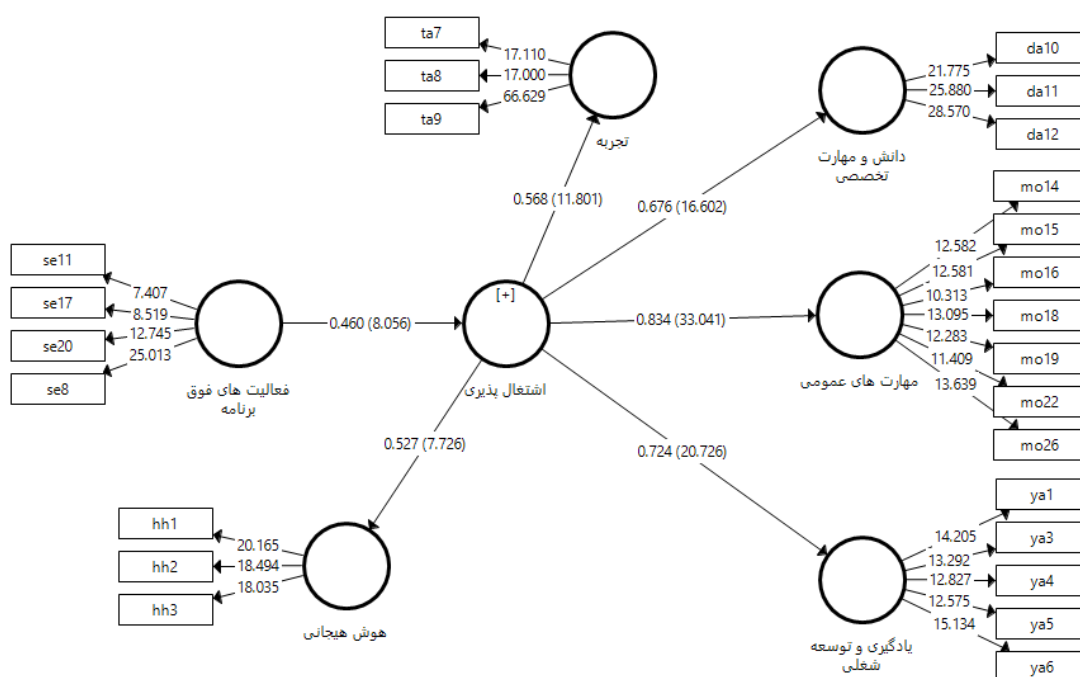
3. Fornell and Larcker

انجام شده است. مقدار شاخص SRMR نیز برابر ۰/۰۸۵ بوده و نشان می‌دهد خطای اندازه‌گیری در ماتریس همبستگی قابل قبول می‌باشد. بعد از مشخص شدن وضعیت برازندگی مدل تحقیق و قابل قبول بودن آن به لحاظ آماری، با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین سازه مستقل و وابسته با استفاده از ضریب مربوطه می‌توان به بررسی معنی‌دار اثرات بین سازه‌های تحقیق پرداخت (شکل ۱).

معیار فورنل و لاکر تأمین شده است که در تحقیق حاضر و بر اساس ماتریس زیر این امکان فراهم شده است. بر اساس جدول ۴ معیار تک خصیصه‌ای - چند خصیصه‌ای نیز دارای مقادیر کمتر از ۰/۹ است و تأیید کننده معیار فورنل و لاکر است. مقادیر شاخص‌های مربع فاصله اقلیدسی (d-ULS) و فاصله ژنودسیک (d-G) به ترتیب دارای مقادیر t برابر ۳/۵۸ و ۲/۵۲ هستند که هر دو در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار گزارش شده‌اند و نشان می‌دهند تخمین مدل به شکل کارایی

جدول ۴- معیارهای بررسی روایی تشخیصی

سازه	اشتغال‌پذیری	تجربه	دانش و مهارت تخصصی	فعالیت‌های فوق برنامه	مهارت‌های عمومی	هوش هیجانی	یادگیری توسعه شغلی
معیار فورنل و لاکر							
اشتغال‌پذیری	۱/۰۰۰						
تجربه	۰/۵۶۸	۰/۸۰۶					
دانش و مهارت تخصصی	۰/۶۷۶	۰/۴۸۵	۰/۸۰۶				
فعالیت‌های فوق برنامه	۰/۴۶۰	۰/۳۲۲	۰/۴۰۲	۰/۶۹۹			
مهارت‌های عمومی	۰/۸۳۴	۰/۲۳۶	۰/۴۱۲	۰/۳۷۱	۰/۶۶۳		
هوش هیجانی	۰/۵۲۷	۰/۰۹۳	۰/۱۸۴	۰/۱۳۴	۰/۴۳۴	۰/۷۸۶	
یادگیری توسعه شغلی	۰/۷۲۴	۰/۴۰۷	۰/۳۹۱	۰/۳۵۱	۰/۴۱۷	۰/۲۸۰	۰/۶۷۸
معیار تک خصیصه‌ای - چند خصیصه‌ای							
اشتغال‌پذیری	---	---	---	---	---	---	---
تجربه	۰/۶۳۹	---	---	---	---	---	---
دانش و مهارت تخصصی	۰/۷۸۸	۰/۶۴۸	---	---	---	---	---
فعالیت‌های فوق برنامه	۰/۵۵۵	۰/۴۶۳	۰/۵۷۱	---	---	---	---
مهارت‌های عمومی	۰/۸۶۱	۰/۳۲۳	۰/۵۳۸	۰/۴۹۸	---	---	---
هوش هیجانی	۰/۶۳۱	۰/۱۴۵	۰/۲۵۷	۰/۲۶۴	۰/۵۸۵	---	---
یادگیری توسعه شغلی	۰/۸۵۵	۰/۵۴۸	۰/۵۴۰	۰/۵۰۷	۰/۵۴۱	۰/۳۸۳	---



شکل ۱- مدل ساختاری - مسیری تحقیق

است. بنابراین، می توان در قالب مدل رگرسیونی فرضیات تحقیق را آزمون نمود.

نتیجه بررسی بخش تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم مدل نشان داد ابعاد هوش هیجانی با ضریب مسیر $0.527 (t=7.726)$ ، تجربه با ضریب مسیر $0.568 (t=11.801)$ ، مهارت تخصصی با ضریب مسیر $0.676 (t=16.602)$ ، مهارت های عمومی با ضریب مسیر $0.834 (t=33.041)$ ، و یادگیری و توسعه شغلی با ضریب مسیر $0.724 (t=20.726)$ در شکل گیری اشتغال پذیری نقش معنی داری داشته و آن را به شکل قابل قبولی اندازه گیری می کنند.

بر اساس جدول (۵) ضریب مسیر اثر فعالیت های فوق برنامه بر اشتغال پذیری $0.460 (t=8.056)$ تخمین زده شده است. سطح معنی داری مقدار t برای این پارامتر 0.001 گزارش شده است و می توان گفت مقدار آماره t برای این ضریب با اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است $(t=8.056)$ ، لذا دلیل کافی برای رد فرض صفر وجود

البته باید این نکته را نیز در ذهن داشت که حداقل مربعات جزئی هم همانند تمامی تکنیک های آماری، نیازمند فرض های خاصی است. مهم ترین فرضیه، تشخیص پیش بینی کننده است. در قالب مدل معادلات ساختاری فرضیات مورد بررسی قرار گرفتند که نتیجه آن در ادامه آمده است. با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین سازه مستقل و وابسته با استفاده از ضریب مربوطه می توان به بررسی معنی دار اثرات بین سازه های تحقیق پرداخت. به منظور بررسی معنی داری ضریب مسیر یا همان بتا از روش از سرگیری بوت استرپینگ استفاده شد که برای این منظور از سرگیری در دو حالت ۱۰۰ و ۳۰۰ بار باز نمونه گیری استفاده شد که نتایج نشان می دهد در هر دو حالت در معنی دار بودن یا بی معنی بودن پارامتر تغییری ایجاد نشده و نتایج از اعتبار محکمی برخوردار هستند. در واقع معنی دار بودن یا نبودن از حجم نمونه تأثیر نپذیرفته و تنها تغییری که ایجاد کرده در مقدار آماره t

معنی دار این رابطه می توان گفت که فعالیت های فوق برنامه بر اشتغال پذیری نقش معنی داری داشته و این فرضیه تحقیق پذیرفته می شود.

دارد و با توجه به معنی داری این ضریب می توان بیان نمود که فعالیت های فوق برنامه بر اشتغال پذیری اثر معنی داری به لحاظ آماری دارد. با توجه به ضریب

جدول ۵- اثر خطی اثرات متغیرهای تحقیق برای آزمون فرضیات کلی تحقیق

t	S.E.	Sig.	Beta	رابطه مورد مطالعه
۸/۰۵۶	۰/۰۵۷	۰/۰۰۱	۰/۴۶۰	فعالیت های فوق برنامه ← اشتغال پذیری

برنامه بر اشتغال پذیری یا برخی مهارت های عمومی مرتبط با اشتغال پذیری بوده است؛ هماهنگ است. بدین ترتیب، این پژوهش با پژوهش Ramesh et al. (۲۰۱۴) هماهنگ است همچنین با نتایج Lau et al. (۲۰۱۴) مبنی بر تأثیر فعالیت های فوق برنامه توسعه مهارت های ارتباطات عمومی، رهبری و خلاقیت؛ نتایج پژوهش Marsh (۱۹۹۲) مبنی بر تأثیر فعالیت های فوق برنامه در افزایش مسئولیت پذیری و سازگاری اجتماعی فراگیران؛ نتایج باقری و حمزه ئی (۱۳۹۶) مبنی بر تأثیر فعالیت های فوق برنامه دانشجویان بر گرایش به تفکر انتقادی و حل مسأله هماهنگ است. همچنین نتایج این پژوهش یافته های پژوهش هایی که نشان داده اند دانش آموختگان به تأثیر فعالیت های فوق برنامه بر میزان اشتغال پذیری معتقدند؛ مانند کلارک و همکاران (۲۰۱۵) و Tchibozo (۲۰۰۷)، تأیید می کند. برخی دیگر از پژوهش های بررسی شده در این نوشتار مانند Akinrinmade and Ayeni (۲۰۱۷)؛ Pinto and Ramalheira (2017)؛ Pinto and He (2018) نشان دهنده اعتقاد کارفرمایان نسبت به اهمیت فعالیت های فوق برنامه در زمینه اشتغال دانش آموختگان بود که پژوهش حاضر مؤید این دسته از یافته ها نیز بود. تعمیم یافته های این پژوهش با توجه به نظام کم و بیش متمرکز آموزش عالی و ماهیت تقریباً عمومی مهارت های اشتغال پذیری می تواند با احتیاط به دیگر رشته ها قایل تعمیم باشد. در عین حال، مواردی مانند

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت اشتغال پذیری دانش آموختگان رشته های کشاورزی و کمبود پژوهش در زمینه تأثیر فعالیت های فوق برنامه بر میزان اشتغال پذیری آنان این پژوهش طراحی و اجرا شد. بر اساس یافته ها در بین مولفه های اشتغال پذیری بالاترین میانگین مربوط به هوش هیجانی و کم ترین میانگین مربوط به تجربه کار و زندگی بود. میانگین نمره کل اشتغال پذیری برای دانشجویان مورد مطالعه ۳/۴۵ از ۵ بود. که مقدار تقریباً متوسطی است. همچنین، میانگین فعالیت های فوق برنامه ۲/۳۹ بود که می توان گفت زیر حد متوسط است.

بر اساس نتایج حاصل از معادلات ساختاری، گویه های مورد استفاده برای اندازه گیری اشتغال پذیری و فعالیت های فوق برنامه مناسب بوده اند و از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بوده اند. فعالیت های فوق برنامه بر میزان اشتغال پذیری تأثیر مثبت و معنی داری دارد. همچنین، تبیین ۴۶ درصد از واریانس اشتغال پذیری نشان دهنده تأثیر قابل توجه این فعالیت ها بر میزان اشتغال پذیری دانشجویان رشته های کشاورزی در پردیس کشاورزی و منابع طبیعی است. بدین ترتیب دانشجویانی که در فعالیت های فوق برنامه مشارکت بیشتری داشته اند؛ مهارت های اشتغال پذیری خود را بالاتر از دانشجویان دیگر اظهار کرده اند. این یافته با پژوهش های پیشین که مؤید تأثیر فعالیت های فوق

منابع

۱. آقاپور، ش.، موحد محمدی، ح. و علم بیگی، ا. ۱۳۹۳. نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری اشتغال‌پذیری دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۰(۱): ۴۱-۵۶.
۲. امام جمعه، م.ر.، احمدی، غ. و تیمورنیا، م. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی فعالیت‌های فوق برنامه دوره ابتدایی ایران با کشورهای آمریکا، انگلستان و مالزی. پژوهش‌های برنامه درسی، ۳(۱): ۶۵-۱۷.
۳. انتظاری، ی. ۱۳۹۵. آموزش عالی و قابلیت‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان. فصلنامه آموزش عالی ایران، ۸(۳): ۱-۲۵.
۴. باقری، م. و حمزه‌ئی، ا. ۱۳۹۶. فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان و گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله در آنها. فصلنامه آموزش عالی ایران، ۹(۳): ۱۳۲-۱۱۷.
۵. پرهیزکار، م. و پورآتشی، م. ۱۳۹۵. مدل جامع ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی دانشجویان علوم انسانی. دو فصلنامه علمی تخصصی آموزش در علوم انسانی، ۱۱(۱): ۱۵۴-۱۳۳.
۶. پورآتشی، م. ۱۳۹۷. ارزیابی نقاط قوت و راهکارهای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ویژه نامه تابستان: ۳۱-۱۸.
۷. حجازی، ی.، غلامی، ح.، حسینی، م. و رضوانفر، ا. ۱۳۹۷. نقش سرمایه اجتماعی در اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی: مورد مطالعه؛ پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۹(۳): ۵۴۵-۵۵۸.
۸. سامیان، م.، موحدی، ر.، صالحی عمران، ا. و سعدی، ح. ۱۳۹۶. رابطه بین شایستگی‌های کانونی و حرفه‌ای دانشجویان کشاورزی و ساختار

فعالیت‌های فوق برنامه از نظر کمیت و کیفیت می‌تواند در دانشگاه‌ها و حتی در مواردی دانشکده‌های مختلف یک دانشگاه متفاوت باشد که این موضوع تا حدی می‌تواند باعث تغییر میزان تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه در میزان اشتغال‌پذیری در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها مختلف شود.

پیشنهادها

- ۱- با توجه به فقدان سازوکارهای مدون برای پرداختن به اشتغال‌پذیری در برنامه درسی دانشگاه، تشویق دانشجویان و آگاه کردن آنها نسبت به اهمیت فعالیت‌های فوق برنامه می‌تواند به عنوان راهبردی برای توسعه مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی قابل طرح و پیگیری باشد. با توجه به وضعیت کم و بیش مشابه سایر دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها کشور از نظر پرداختن به اشتغال‌پذیری این توصیه برای سایر دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کشور نیز تا حدی قابل تعمیم است.
- ۲- با توجه به نقش فعالیت‌های فوق برنامه در توسعه اشتغال‌پذیری دانشجویان، مسئولان دانشگاه می‌توانند نسبت به تدوین سازوکارهایی برای مستندسازی فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان در طول تحصیل اقدام کنند تا دانشجویان بتوانند در هنگام جستجوی شغل و معرفی خود به کارفرمایان از آن بهره‌برداری کنند و در ضمن در تشویق دانشجویان برای شرکت در این گونه فعالیت‌ها مؤثر باشد.
- ۳- با توجه به فعالیت کمتر دانشجویان زن در فعالیت‌های فوق برنامه توصیه می‌شود؛ علل و انگیزه‌ها و موانع شرکت دانشجویان در این گونه فعالیت‌ها با توجه به تحلیل جنسیتی مورد مطالعه قرار گیرد.

- provision in higher education. *Higher Education*, 37(7): 1-93.
17. Chan, C.K. and Fong, E.T. 2018. Disciplinary differences and implications for the development of generic skills: a study of engineering and business students' perceptions of generic skills. *European Journal of Engineering Education*, 43(6): 927-949.
 18. Clark, G., Marsden, R., Whyatt, J.D., Thompson, L. and Walker, M. 2015. It's everything else you do...': Alumni views on extracurricular activities and employability. *Active Learning in Higher Education*, 16(2): 133-147.
 19. Dacre Pool, L. 2017. Developing Graduate Employability: The Career edge Model and The Importance of Emotional Intelligence, Tomlinson, M. and Holmes, L. (Eds.), *Graduate Employability in Context: Theory, Research and Debate*, Palgrave Macmillan, London.
 20. Henseler, J., Ringle, C. M. and Sarstedt, M. 2015. A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 43(1): 115-135.
 21. Hosseini, M., Kalantari, K. and Eskandari, F. 2008. The role of Iranian higher education system on entrepreneurial success of its graduates: some policy implications for entrepreneurship education. *American Eurasian Journal*, 3(3): 394-402.
 22. Jackson, D. 2014a. Factors influencing job attainment in recent Bachelor graduates: evidence from Australia. *Higher Education*, 68(1): 135-153.
 23. Jaeger, A.J. 2003. Job competences and the curriculum: an inquiry into emotional intelligence in graduate professional education. *Research in Higher Education*, 44(6): 615-39.
 24. Kuzgun, I.K. 2012. On the job training for students as an instrument for increasing employability of graduates: A proposal for Turkey. Hacettepe University, Ankara-Turkey.
 25. Lau, H.-H., Hsu, H.-Y., Acosta, S. and HSU, T.-L. 2014. Impact of participation in extra-curricular activities during college on graduate employability: an empirical provision in higher education. *Higher Education*, 37(7): 1-93.
 ۹. علم بیگی، ا.، امیری، ر. و صاحب‌دل، س. ۱۳۹۵. نقش مهارت‌های اشتغال در انگیزه تحصیلی دانشجویان کشاورزی مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۷: ۴۹-۶۱.
 ۱۰. غلامی، ح. و کریمی، ح. ۱۳۹۷. ابهام زدایی واژه شناختی مهارت‌های اشتغال‌محور دانش‌آموختگان بخش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۵(۳): ۳۱-۵۰.
 ۱۱. فراستخواه، م. ۱۳۸۹. بررسی الگوی تعاملات آموزش عالی و دانشگاه با سایر نظام‌های تولید خدمات. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۷: ۴۵-۶۴.
 ۱۲. موحدی، ر.، اکبری، رو. و یعقوبی فرانی، ا. ۱۳۸۹. راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۴): ۸۵-۹۸.
 ۱۳. نادری، ا. ۱۳۹۲. طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی فعالیهای فوق برنامه برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان با تأکید بر آموزش‌های همگانی ناجا. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۳۵: ۴۷-۸۲.
 14. Akinrinmade, B. and Ayeni, A. 2017. Influence of extracurricular involvement on graduate employability. *Malaysian Online Journal of Educational Management*, 5(3): 19-31.
 15. Barnett, R. 2000. University knowledge in an age of super complexity. *Higher Education*, 40(4): 409-422.
 16. Bennett, N., Dunne, E. and Carre', C. 1999. Patterns of core and generic skill

- activities. *Journal of Vocational Behavior*, 99: 165-178.
34. Pinto, L.H. and He, K. 2019. In the eyes of the beholder: the influence of academic performance and extracurricular activities on the perceived employability of Chinese business graduates. *Asia Pacific Journal of Human Resource*, 57: 503-527.
 35. Pitan, O.S. 2016. Employability development opportunities (EDOs) as measures of students' enhanced employability. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 6(3): 288-304.
 36. Pool, L. D. and Sewell, P. 2007. The key to employability: developing a practical model of graduate employability. *Education and Training*, 49(4): 277-289.
 37. Pouratashi, M. and Zamani, A. 2019. University and graduates employability: Academics' views regarding university activities (the case of Iran). *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 9(3): 290-304.
 38. Ramesh, N., Mann, T. and Parrott, K. 2014. Extracurricular activities to enhance the employment outcomes of Mathematics graduates. *The Higher Education Academy*. Retrieved from: http://gala.gre.ac.uk/14659/1/14659_RAMESH_Extracurricular_Activities_2014.pdf
 39. Sarstedt, M., Ringle, C.M., Hair, J.F., 2017. Partial least squares structural equation modeling. In: Homburg, C., Klarmann, M., Vomberg, A. (Eds.), *Handbook of Market Research*. Springer, Cham, pp. 1-40.
 40. Scarinci, J. and Pearce, P. 2012. The perceived influence of travel experiences on learning generic skills. *Tourism Management*, 33(2): 380-386.
 41. Schlesinger, J. and Daley, L.P. 2016. Applying the chaos theory of careers as a framework for college career centers. *Journal of Employment Counseling*, 53(2): 86-96.
 42. Sewell, P and Dacre Pool, L. 2015. The UCLan – Career EDGE Employability Development Profile. Available at: https://www.uclan.ac.uk/students/assets/files/CareerEDGE_and_EDP_2015.pdf (Accessed 12 November 2018)
 - study of graduates of Taiwanese business schools. *Educational Studies*, 40(1): 1-22.
 26. March, H. 1992. Extracurricular Activities: Beneficial Extension of the Traditional Curriculum or Subversion of Academic Goals? *Journal of Educational Psychology*, 84(4): 553-562.
 27. McQuaid, R.W. and Lindsay, C. 2005. The Concept of Employability. *Urban Studies*, 42(2): 197-219.
 28. Milner, Sh., Cousins, W. and McGowan, I. 2016. Do All Work and No Play Make a Dull Graduate? Perceptions of Extracurricular Activities and Employability. *Journal of Perspectives in Applied Academic Practice*, 4(1): 13-18.
 29. Nghia, T. 2017. Developing generic skills for students via extra-curricular activities in Vietnamese universities: Practices and influential factors. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 8(1): 22-39.
 30. Ogwo, D. 2010. Employability of Nigeria Tertiary Institutions Graduates and Observed Skills gap in General and Physical Sciences, Engineering Architecture, Urban and Regional Planning, Surveying, Estate Management etc. The Curricular challenges to the institution. Paper Presented at Colloquium on organized Private Sector / Public Service demand for Nigerian Universities, College of Education and Polytechnics Graduates Employability organized by Bureau of Tertiary Institutions Abeokuta, Ogun State, between 12th- 13th October, 2010.
 31. Pedagogy for Employability Group. 2004. Pedagogy for employability. available at: www.heacademy.ac.uk/resources.asp?process¼full_record§ion¼generic&id¼510.
 32. Pillai, S., Khan, M.H., Ibrahim, I.S. and Raphael, S. 2012. Enhancing employability through industrial training in the Malaysian context. *Higher Education*, 63(2): 187-204.
 33. Pinto, L.H. and Ramalheira, D.C. 2017. Perceived employability of business graduates: The effect of academic performance and extracurricular

- activities in Vietnamese universities: student engagement and inhibitors of their engagement. *Journal of Education and Work*, 30(8): 854-867.
47. Tymon, A. 2013. The student perspective on employability. *Studies in Higher Education*, 38(6): 841-856.
48. UNESCO, 2012. Graduate Employability in Asia. UNESCO Bangkok, Asia and Pacific Regional Bureau for Education. Bangkok, Thailand.
43. Shmueli, G. and Koppius, O.R., 2011. Predictive analytics in information systems research. *MIS Journal*. 553–572.
44. Small, L., Shacklock, K., and Marchant, T. 2018. Employability: a contemporary review for higher education stakeholders. *Journal of Vocational Education & Training*, 70(1): 148-166.
45. Tchibozo, G. 2007. Extra-curricular activity and the transition from higher education to work: a survey of graduates in the United Kingdom. *Higher Education Quarterly*, 61(1): 37-56.
46. Tran, L.H.N. 2017. Developing employability skills via extra-curricular



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 6(1), 2019

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/jead.2020.18250.1422

The Effect of Extracurricular Activities on Agricultural Student's Employability (Case of College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran)

H. Gholami^{1*}, A. Alambeigi² and M. Pouratashi³

¹Assistant Prof., Agricultural institute of education and extension, Agricultural Research Education and Extension Organization, Tehran

²Assistant Prof., Dept. of Agricultural Extension and Education, Tehran University, Tehran

³Assistant Prof., Dept. of Comparative Studies in Higher Education and Innovation, Institute for Research & Planning in Higher Education, Tehran

Received: 10/08/2020; Accepted:22/10/2020

Abstract

Students' employability is one of the critical issues in higher education practice and research. Participation in extracurricular activities is one of the employability development mechanisms. The main purpose of this study was to examine the effects of extracurricular activities on students' employability. A survey was conducted among 190 agricultural students' in agricultural and natural resources University College, University of Tehran. Data were collected through a questionnaire which its face validity, construct validity and reliability were confirmed through a panel of experts, convergent and discriminant validity and composite reliability, respectively. Results revealed that participation in extracurricular activities had positive effect on students' employability. 46 percent of students' employability variance was explained by participation in extracurricular activities. According to results and regarding the lack of developed mechanisms to address employability in universities curriculum, improving students' employability through extracurricular activities is recommended.

Keywords: Extracurricular, Social Participation, Employability, Agriculture, Higher Education, job preparedness.

* Corresponding author: gholami.ir@gmail.com

